

نظریه پردازش، پذیرش و پرورش دین: رویکردی نرم برای انتقال فرهنگ ایثار و شهادت*

دکتر سیدمحمد رضا تقوی**

چکیده

برای انتقال هر مفهوم ارزشی مثل ایثار و شهادت، رویکردهای متفاوتی متصور است. اما معیار درستی یک رویکرد را بایستی در خارج از آن جستجو کرد و آن چارچوبی است که آن مفهوم، در آن طرح می‌شود. پژوهش حاضر، تلاش می‌کند تا متناسب با مستندات اعتقادی، سند ملی آموزش و پژوهش‌های روان‌شناختی، ضمن ارائه تبیینی از راهبرد آموزش دین به شیوه انتقال فرهنگ ایثار و شهادت بپردازد. براساس این دیدگاه، رسیدن به مفاهیم عالی‌تر دینی مثل ایثار و شهادت در گرو طی فرایند اصولی مراحل پردازش، پذیرش و پرورش دین است. در مرحله پردازش، مفاهیم مبنایی دین آموزش داده می‌شود و تأکید بر فهم و درک یادگیرنده است. در مرحله پذیرش، فرد به صورت انتخابی و اختیاری در معرض پذیرش پیام کلی (مبانی، ضرورت، اهمیت و اهداف) دین قرار می‌گیرد. در مرحله بعد، نظام آموزشی ضرورت پرورش دستورات الهی در درون فرد (خودسازی) و سپس اقامه دین در سطح جامعه (جهاد) را برای یادگیرنده تبیین می‌نماید. بر این اساس، به میزانی که نظام آموزشی موفق می‌شود تا فرد را در طی مراحل یادشده هدایت نماید، مفاهیم عالی‌تر دینی (مثل ایثار، شهادت یا انتظار) گسترش خواهد یافت.

واژه‌های کلیدی: آموزش دین، نظریه‌پردازی، فرهنگ ایثار و شهادت

* این پژوهش به سفارش بنیاد شهید انقلاب اسلامی مرکز شیراز انجام گرفته است. خلاصه‌ای از این مقاله در نشست علمی جایگاه مطلوب فرهنگ ایثار و شهادت در نظام تعلیم و تربیت عمومی کشوری (دانشگاه شیراز: ۲۵ آذرماه ۱۳۸۸) ارائه شد.

Email: mtaghavi@rose.shirazu.ac.ir

** عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۳/۰۴ تاریخ تأیید: ۱۳۸۹/۱۰/۱۰

مقدمه

همزمان با هبوط آدم به زمین، خداوند اراده فرمود که او را با هدایت‌های خود به مسیری که برای آن خلق شده بود هدایت فرماید. بنابراین به پیامبران مأموریت داد که این مهم را به انجام رسانند. این پیامبران که همگی به پیامبر خاتم(ص) تأسی داشتند، به میزان ظرفیت بشر در دوران‌های مختلف تعالیم خود را به انجام رساندند و زمینه را برای حضور آخرین پیامبر(ص) مهیا نمودند. خاتم‌النبین(ص) نیز تعالیم دین الهی و آنچه از هدایت، که بشر تا آخر نیاز داشت را بیان نمود و دین را به اتمام و اکمال رساند و خداوند کریم این گنجینه معارفی را برای بشر حفظ فرمود (حجر، ۹). خداوند علیم و خبیر این گنجینه را به گونه‌ای تنظیم فرمود که هر کس متناسب با ظرفیت‌های وجودی خود و به نسبتی که وجود خود را مصروف آن می‌دارد، بتواند از آن بهره کافی و وافی ببرد. همچنین اراده فرمود تا انسان به اختیار خود هر نسبتی را که می‌خواهد با این دین برقرار نماید. اما در اصل هدف را معرفت الله و از راه عبودیت قرار داد. عبودیتی که اگر مطابق دستورات انجام پذیرد به ربوبیت منتهی می‌شود «العبودية جوهره کنه‌ها الربوبية»^۱ (مصطفوی، بی‌تا، ص ۵۳۶)، این انسان می‌تواند خداگونه شود و کارهای خدایی بکند و حدیث قرب نوافل^۲ (کلینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵۲)، شاهد این مدعا است.

در چنین شرایطی چنانچه فرد از خود ظرفیتی در حد عالی نشان دهد و حاضر باشد که آنچه را که خداوندگارش به او ارزانی داشته دوباره نثار خدایش نماید و بخواهد که از لطف و فیض الهی که همواره مهبای فیض‌بخشی است، بهره گیرد می‌تواند به مراحل بالا در این مسیر دست یابد. یکی از این مراحل متعالی شهادت در راه خدا است که انسان‌های راه‌یافته در این مسیر آرزو می‌کنند پایان عهد و مسئولیت خود را در این دنیا با آن به اتمام برسانند. بنابراین بر عهده مسئولان آموزش رسمی و غیر رسمی است تا با تنظیم برنامه‌های آموزشی زمینه را برای رشد معنوی کسانی که دستیابی به این مراحل متعالی را انتخاب

۱. امام صادق(ع) فرمودند: العبودية جوهره کنه‌ها الربوبية، [فأفقد في العبودية وجد في الربوبية، و ما خفي عن الربوبية أصيب في العبودية؛ یعنی بندگی گوهری است که حقیقت آن مقام ربوبیت [تصاحب در امور] است. پس آنچه در بندگی پنهان است، در مقام ربوبیت یافت می‌شود و هر آنچه در مقام ربوبیت پنهان باشد، با بندگی حاصل می‌شود (مصطفوی، بی‌تا، ص ۵۳۶).

۲. امام صادق(ع) از پیامبر(ص) روایت کرده که خداوند فرمود: «اظهار دوستی نکرد بنده من به چیزی دوست داشتنی‌تر از آنچه واجب کردم بر او، و او با نوافل به سوی محبت من می‌آید تا اینکه من نیز او را دوست بدارم. پس هنگامی که او را دوست بدارم شنوایی او می‌باشم آنگاه که می‌شنود و بینایی او می‌باشم آنگاه که می‌بیند و زبان او می‌باشم آنگاه که سخن می‌گوید و دست او می‌باشم آنگاه که ضربه می‌زند و پای او می‌باشم آنگاه که راه می‌رود، هنگامی که به درگاه من دعا کند اجابت می‌کنم و اگر از من درخواست کند به او می‌دهم» (کلینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵۲).

می‌کنند، فراهم کنند. بدیهی است که انسان‌ها مختارند به هر نسبتی که تمایل دارند با این گنجینه الهی رابطه برقرار نمایند، اما لازم است که برنامه‌های آموزشی این ظرفیت را داشته باشند تا کسانی که مایلند در حد عالی در این مسیر گام بزنند، بتوانند به این مهم دست یابند (تاجور، پورطهماسبی و حسینی، ۱۳۸۷).

گرچه دستیابی به شهادت به عنوان بلندترین قله کمال در دنیا از دو طریق سلوک (تلاش فردی) و جذب (عنایت الهی) امکان‌پذیر است، که اولی رفتنی و دومی بردنی است، لیکن تمرکز مقاله حاضر بر مسیر سلوک است؛ چرا که مسیر جذب، قانونمندی‌های ویژه خود را دارد که تنها خداوند به آن آگاه و دست بشر از آن کوتاه است (دولابی، ۱۳۸۳، ج ۱). همچنین در اعتقادات دینی به موازات موضوع شهادت موضوع انتظار قرار دارد که هر دو می‌توانند در یک راستا مورد تحلیل قرار گیرند. در خصوص موضوع ایثار، که در عنوان مقاله حاضر به کار رفته است باید گفت که ایثار دامنه وسیعی از رفتار در طول زندگی از کودکی تا کهنسالی را دربر می‌گیرد که اوج آن در ایثار به معنی «بذل جان» نهفته است، که در نوشتار کنونی، ایثار به این معنی در نظر گرفته شده است.

پرواضح است که دستیابی به مقامات عالی دین (مثل انتظار، انقطاع و شهادت) نه به عنوان یک نقطه، که دفعتاً دسترسی به آن امکان‌پذیر است بلکه بایستی به صورت یک مسیر تربیت دینی ترسیم شود. فرد برای دستیابی به مقامات عالی دین بایستی از دامنه‌ها، کوهپایه‌ها و فراز و نشیب‌های فراوانی گذر نماید تا بتواند مطلوب خود را در آغوش کشد و نظام آموزش بایستی قادر باشد تا مسیر ترقی و تعالی به سمت قله‌های رفیع دین را تبیین و ترسیم نماید و در پیش روی علاقه‌مندان به آن قرار دهد تا به هر اندازه که متعلمین مایلند به اختیار این مسیر را بپیمایند (صادق‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸).

پیشینه تحقیق

تلاش‌های بسیاری از سوی محققان انجام شده است تا مسیر تربیت دینی را ترسیم نمایند. ریموند و کریستال (۲۰۰۵) دو رویکرد متفاوت برای آموزش دین ارائه کردند. رویکرد اول «رویکرد جامعه‌پذیری» است که منظور از آن انتقال یک‌طرفه مفاهیم معنوی از طریق والدین، نهادها و سازمان‌های دینی است. رویکرد دوم «رویکرد شناختی» است که از طریق تعیین مراحل دینداری و ارائه تجویزهای مرحله‌ای، آموزش دین صورت می‌پذیرد. این محققان نشان دادند که پس از سال ۱۹۴۰ میلادی، رویکرد دوم در آمریکا حاکم بوده

است. دیدگاه مشهور دیگر در غرب در خصوص تربیت دینی دیدگاه پیاژه است (پیاژه، ۱۹۶۲) که معتقد است تفکر مذهبی از سه مرحله عبور می‌کند که عبارت‌اند از: تفکر مذهبی، شهودی پیش‌عملیاتی (تا ۷ یا ۸ سالگی)، تفکر مذهبی مبتنی بر عملیات عینی (تا ۱۳ یا ۱۴ سالگی) و تفکر مذهبی مبتنی بر عملیات صوری (تا پایان نوجوانی). برخی دیگر از محققان در غرب نیز به این مسئله پرداخته‌اند که از جمله می‌توان به کولبرگ (۱۹۸۱)، اریکسون (۱۹۶۱)؛ به نقل از: گروه گیل، (۲۰۰۱)، دبس (۱۹۵۶)، فاولر (۱۹۸۱) و یونگ (۱۳۷۰) اشاره داشت.

اما از دیدگاه دانشمندان متأخر داخل کشور می‌توان به دیدگاه باقری (۱۳۷۹) و لطف‌آبادی (۱۳۸۱) اشاره نمود. باقری (۱۳۷۹) مؤلفه‌های تربیت دینی را در سه مورد خلاصه می‌کند که عبارت‌اند از: ۱. مؤلفه عقلانیت؛ ۲. مؤلفه تقوای حضور؛ ۳. مؤلفه ارزیابی، گزینش و طرد (اطلاعات و رویدادهای اجتماعی). منظور از مؤلفه سوم در دیدگاه ایشان آن است که یادگیرنده پس از آنکه از طریق عقلانیت دین را پذیرفت و به ادراک ضرورت حضور همراه با تقوا در جامعه رسید، بایستی قادر باشد از طریق نقد و ارزیابی دیدگاه‌های موجود در جامعه دست به گزینش (انتخاب) و یا طرد (رد) اعتقادات بزند. البته این دیدگاه مورد نقد قرار گرفته است که برای نمونه می‌توان به منبع اخیر (همان) اشاره نمود. دیدگاه دیگر مربوط به لطف‌آبادی (۱۳۸۱) است که مسیر تربیت دینی را به هفت مرحله تقسیم نموده است. این مراحل عبارت‌اند از: ۱. ایمان شهودی - تقویتی (تا ۷ سالگی)؛ ۲. ایمان افسانه‌ای جزمی (۸ تا ۱۱ سالگی)؛ ۳. ایمان ترکیبی و الگویی (۱۲ تا ۱۶ سالگی)؛ ۴. ایمان فردی شده و استدلالی (۱۷ تا ۲۵ سالگی)؛ ۵. ایمان ترکیبی و پویا (تا میانسالی)؛ ۶. ایمان هماهنگی با جهان طبیعی و انسانی (میانسالی و پس از آن)؛ ۷. ایمان یگانه شدن با حق و وحدت وجود (دوره پختگی و کمال رشد).

در میان متقدمین مسلمان، دانشمندان فراوانی موضوع مسیر تربیت دینی را ترسیم نموده‌اند که برای نمونه به سه مورد از آنها به اختصار اشاره می‌شود، تا علاقه‌مندان بتوانند به آشنایی مختصری دست یابند.

دیدگاه اول مربوط به شیخ اشراق (۵۴۰-۵۸۷ق) مؤسس حکمت اشراق است که مسیر رشد دینی را به ده مرحله تقسیم می‌نماید که عبارت‌اند از: یقظه و بیداری، شناخت خود واقعی، اهلیت و قابلیت داشتن، تبعیت از پیر و مرشد، پرهیز از ظاهربینی و قشری‌گری، ریاضت، توکل، سماع، عشق و فنا (صادقی حسن‌آبادی و عروجی، ۱۳۸۵). دیدگاه دوم

مربوط به خواجه عبدالله انصاری است که مسیر تربیت دینی را به ده مرحله و هر مرحله را به ده مرحله جزئی تر تقسیم می‌کند. بنابراین خواجه عبدالله یک مسیر ۱۰۰ مرحله‌ای را بیان می‌دارد که نکته‌سنجی این محقق والامقام را نشان می‌دهد و بسیار پندآموز و قابل استفاده است (مفید، ۱۳۸۷). دیدگاه سوم نظریه فخرالفقها سیدمهدی بحرالعلوم (حسینی، ۱۳۷۵) است که هدف تربیت دینی را دستیابی به عالم صلوح (صالح شدن) می‌داند که مخصوص انبیا و اولیا الهی است. لیکن سایر افراد می‌توانند به عالم خلوص (مقام مخلصین) دست یابند که برای دستیابی به این مقام بایستی عوالم مقدم بر عالم خلوص را که ۱۲ عالم است، طی نمایند. ذکر این ۱۲ عالم از مجال بحث حاضر فراتر است و برای مثال تنها به بیان عالم دوم این مسیر که «اسلام اکبر» نامیده شده است بسنده می‌شود. براساس تعریف، «اسلام اکبر» عبارت است از: «تسلیم و انقیاد محض من جمیع الوجوه بر خداوند عزوجل، و اعتراف و اذعان بر آنکه آنچه هست و تحقق یافته صلاح بوده و آنچه واقع نشده صلاح نبوده است، و به‌طور کلی رفع ید از چون‌وچرا و عدم گلایه از حضرت رب‌العزه و علاوه بر ترک اعتراض باید در قلب او هیچ نوع گرفتگی و غباری نسبت به احکام تشریحیه و تکوینیه الهیه نباشد» (حسینی تهرانی، ۱۳۷۵).

همچنین مطالعات زیادی در خصوص تأثیرات سنخ‌های مختلف دینداری روی جنبه‌های مختلف جسمی و روانی صورت پذیرفته است (برای مثال خدایاری‌فرد، غباری بناب و شکوهی‌یکتا، ۱۳۸۰). نسابه (۱۳۸۴) در تحقیقی که بر روی دانشجویان دانشگاه شیراز انجام داد به این نتیجه رسید که دینداری درونی (دینداری مبتنی بر انتخاب و انگیزش درونی فرد) با بهداشت روانی، رابطه مثبت معنی‌داری دارد در حالی که رابطه‌ای بین دینداری بیرونی (دینداری مبتنی بر منافع اجتماعی) با بهداشت روانی به دست نیامد. کشتکار و تقوی (۱۳۸۹) در پژوهشی بر روی دانشجویان معارف اسلامی و یکی از بخش‌ها در یکی از دانشکده‌های علوم انسانی دانشگاه‌های کشور به این نتیجه رسیدند که دانشجویان بخش معارف اسلامی به‌طور معنی‌داری در مقیاس نگرش دینی (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۷۹)، در مقایسه با گروه دیگر نمرات بالاتری را کسب کردند. در ادامه پورا‌براهیمی (۱۳۸۸) همین دو گروه را با مقیاس هوش معنوی مورد مطالعه قرار داد، اما به‌طور تعجب‌آوری دانشجویان بخش معارف اسلامی نمرات بالاتری را در مقیاس هوش معنوی نسبت به گروه دیگر نشان ندادند. مقایسه دو پژوهش کشتکار و تقوی (۱۳۸۹) و پورا‌براهیمی (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که گرچه دانش و آگاهی دانشجویان بخش معارف

اسلامی نسبت به علوم اسلامی بالاتر است ولی این دانش از آنچنان عمقی که خود را در امور مبنایی تر مثل هوش معنوی (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶) نشان دهد برخوردار نیست. دلالت ضمنی این داده‌ها آن است که به نسبتی که آموزش دین تأثیرات پایدارتر، عمیق‌تر، بنیادی‌تر و کارآمدتر در عمل دارد، احتمالاً آن شکل از آموزش دین بر مبنای درست‌تری استوار است. اگر مطلب اخیر پذیرفتنی باشد، پس با انجام تحقیقات نظری و میدانی در آینده می‌توان امیدوار بود که به تدریج محققان به دریافت‌های ناب‌تری از نحوه آموزش دین دست یابند. بدیهی است ناب‌ترین این تلاش‌ها تحقیقات میدانی و کوشش‌های نظریه‌پردازی است که بایستی هم با قوت بیشتر از سوی محققان و هم با سعه صدر بیشتر از سوی جامعه دنبال شود.

در خصوص نحوه انتقال فرهنگ ایثار و شهادت نیز تاکنون پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است (برای مثال: منصوری لاریجانی، بی‌تا؛ تاجور، پورطهماسبی و حسینی، ۱۳۸۷؛ خاکزاد و غفاری، ۱۳۸۷؛ فهیمی، ۱۳۸۷). در این پژوهش‌ها ضمن ارائه تعریفی از واژه‌های ایثار و شهادت به عوامل مؤثر بر فرهنگ ایثار و شهادت، آسیب‌شناسی فرهنگ ایثار و شهادت، ویژگی‌ها و خصوصیات مروج حوزه ایثار و شهادت و زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی مؤثر بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت با توجه به آیات و روایات مباحثی ارائه شده است. لیکن آنچه وجه ممیزه پژوهش حاضر با تحقیقات پیشین است ارائه نظریه و الگویی برای تبیین مسیر تربیت دینی و تبیین نحوه انتقال فرهنگ ایثار و شهادت در پرتو چنین نظریه‌ای است. این به آن دلیل است که نگارنده این سطور معتقد است که آموزش مفاهیم از جمله مفاهیم دینی باید در پرتو یک چارچوب نظری وسیع‌تر باشد. در مجموع گرچه تاکنون پژوهش‌های زیادی به تبیین نحوه انتقال فرهنگ ایثار و شهادت پرداخته‌اند، اما تاکنون موضوع از دیدگاه نظریه‌پردازی مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین هدف از نوشتار حاضر دستیابی به الگویی است که بتوان با دنبال کردن آن از طریق آموزش رسمی و غیر رسمی متعلمین و فراگیران را هرچه بهتر و بیشتر با گنجینه معنوی و معارفی دین آشنا کرد و زمینه را برای کسانی که علاقه‌مند هستند به قله‌های رفیع آن، همچون ایثار و شهادت دست یابند فراهم کند. پرواضح است که این کاری بس خطیر است و منظور مؤلف این سطور ورود به بحثی پرحاشیه است تا افکار اهل قلم را برانگیزد تا با پرداختن به آن، این مسیر را هموارتر نمایند.

روش

روش پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کیفی است که با رویکردی توصیفی - تفسیری و با نگرشی تحلیلی - تطبیقی به منابع دینی و روان‌شناختی صورت گرفته است. محقق در این پژوهش تلاش نموده است تا با محوریت دیدگاه‌های دینی و با استفاده از دانش روان‌شناختی به الگویی دست یابد که پاسخگوی دو مسئله زیر باشد:

۱. مسیر تربیت دینی چگونه باید باشد؟

۲. انتقال فرهنگ ایثار و شهادت با توجه با این مسیر چگونه باید باشد؟

بنابراین، روش تحقیق در مطالعه حاضر استفاده از الگو است (برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: اسکاچپول، ۱۳۸۸؛ زاهد زاهدانی و همکاران، در دست تهیه). برای دستیابی به هدف مورد تحقیق ابتدا تلاش می‌شود تا با استناد به متون دینی مسیر تربیت دینی که به نظر اصولی می‌رسد ترسیم گردد. زیرا در پرتو ترسیم چنین مسیری است که می‌توان دستیابی به مراحل بالاتر و عالی‌تر همچون مقامات ایثار و شهادت را نشانه گرفت. سپس از برداشت‌های مختلفی که برای انتقال فرهنگ ایثار و شهادت متصور است، برداشت اصولی‌تر انتخاب می‌شود. در آخرین مرحله ضمن ارائه تعریفی از ایثار و شهادت تلاش می‌شود تا زیربناهای لازم آموزشی در سه مقطع دبستان، راهنمایی و دبیرستان که زمینه را برای رشد علاقه‌مندان به طی مراحل عالی‌تر دینی فراهم می‌کند، معرفی شوند.

پرواضح است که مبانی انسان‌شناسی، روش‌شناسی، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی مطالعه حاضر متفاوت از دیدگاه اثبات‌گرایی و تقلیل‌گرایی رایج و برگرفته از دیدگاه اسلامی است که توسط برخی محققان مورد بررسی قرار گرفته است (برای نمونه: امیرحسینی، ۱۳۸۷؛ حسینی، ۱۳۸۲؛ زاهد زاهدانی و همکاران، در دست تهیه). در مورد نحوه ارائه نظریه، مطالعه حاضر مراحل نظریه‌پردازی ارائه‌شده در پژوهش دانایی‌فرد (۱۳۸۸) را الگوی خود قرار داده است. این مراحل شامل ۱. شناخت موضوع بحث‌انگیز یا تشخیص نابهنجاری؛ ۲. دست زدن به تخیل نظام‌مند علمی؛ ۳. ظهور نظریه خام غیر منتظره؛ ۴. داوری اولیه نظریه خام؛ ۵. تدوین نظریه غنی؛ ۶. آزمون؛ ۷. به‌کارگیری نظریه و ۸. بهبود نظریه می‌گردد. بدیهی است هر نظریه علمی از زمان طرح اولیه تا زمان بلوغ از مراحل می‌گذرد و طبعاً مطالعه حاضر از این حیث استثناء نیست.

نتایج

براساس اصول تعلیم و تربیت لازم است که ابتدا کلیت یک موضوع آموزش داده شود و سپس آموزش اجزا در پرتو کل صورت پذیرد. به عبارت دیگر، آموزش هر واژه‌ای بایستی در یک چارچوب کلی‌تر صورت پذیرد تا یادگیرنده بتواند ضمن ارتباط دادن اجزا با هم به یادگیری بهتر و بقای آن در طول زمان دست یابد. همچنین یادگیری مفاهیم وقتی به‌طور اصولی انجام می‌شود که متعلم مفاهیم مقدماتی‌تر را یاد گرفته باشد و بالأخره سومین اصل در یادگیری مفاهیم آن است که یادگیری مطابق با شرایط سنی و آمادگی‌های قبلی یادگیرنده باشد. داشتن علاقه و انگیزه از طرف متعلم نیز شرط بعدی در یک فرایند یادگیری درست محسوب می‌شود (برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به: گانیه، ۱۳۶۸؛ بیلر، ۱۳۶۸؛ هیلگارد و باور، ۱۳۶۷). تمام شرایط مذکور ما را به این نتیجه رهنمون می‌کند که برای تبیین مسیر تربیت دینی ابتدا بایستی کلیت دین آموزش داده شود. به نظر می‌رسد کلیت دین، شامل اصول دین به انضمام اصول مذهب است. بنابراین آموزش هر مفهوم دینی به صورت مجرد، پراکنده و بدون قرار گرفتن در یک چارچوب کلی‌تر احتمالاً مغایر اصول شناخته‌شده تعلیم و تربیت و یادگیری است و از کارایی لازم برخوردار نیست. برای مثال آموزش مفاهیمی چون عفاف، نماز، صبر، توکل، زکات، ایثار و بالأخره شهادت قبل از اینکه فرد کلیت دین را درک کرده باشد و حتی آن را به اختیار پذیرفته باشد نمی‌تواند منشأ اثر باشد.

نکته دیگر که بایستی به هنگام تدوین هر گونه الگویی از تعلیم و تربیت همواره به آن توجه داشت، این است که یک الگو مانند یک نظریه بایستی مبتنی بر یک سری مبانی (مثلاً در موضوع مورد پژوهش فعلی، مبانی اعتقادی یا مبانی علمی) استوار باشد. به علاوه اجزای مختلف یک الگو یا نظریه بایستی با هم هماهنگ باشند و همه یک هدف واحد را دنبال نمایند. بر این اساس، نمی‌توان تدوین یک الگو و مسیر تربیت دینی را بر مبنای یک سری دستاوردهای علمی یا اصول تربیتی مجرد از یکدیگر و یا حتی مبتنی بر یک سری حدیث و روایت از ائمه معصومین (ع) دانست. بلکه بایستی کلیت و روح دین را دریافت و آنگاه بر مبنای آن روح و کلیت، یک نظام تعلیم و تربیت منسجم، هماهنگ و منظم را تدوین نمود (شیرودی، ۱۳۸۳).

یکی از نمونه‌های عالی در این خصوص تفسیر المیزان است که در آن هر آیه با توجه به سایر آیات و کلیت دین یا روح حاکم بر قرآن و عترت تفسیر شده است. صفایی حایری

(۱۳۸۵، ص ۹۲-۱۰۲) پس از طرح ضرورت طرح کلی مذهب، شاخصه‌های این طرح را چهار مورد می‌داند که عبارت‌اند از: ۱. استناد؛ ۲. اصالت (= هماهنگی با دیدگاه اسلام و نه دیدگاه مسلمانان)؛ ۳. ارتباط (= ضرورت ارتباط عقاید و اخلاق و احکام و نظام‌های مختلف دینی مثل نظام فرهنگی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و...) و ۴. جامعیت (= ضرورت توجه به همه ابعاد). بر همین اساس وی نتیجه می‌گیرد که قوانین دین به تدریج بر پیامبر اسلام (ص) نازل شد، اما اینک همه دین در اختیار ماست، پس ما می‌توانیم از آن الگو استخراج کنیم و با نقد آن پیوسته در ارتقای آن بکوشیم. آنچه که به دنبال می‌آید کوششی برای پاسخ دادن به ضرورت «تبیین مسیر تربیت دینی» است که امید است از سوی متخصصان مورد نقد عالمانه قرار گیرد.

مهم‌ترین فرض زیربنایی دیدگاه حاضر، این نکته است که رسیدن به مفاهیم عالی‌تر دینی مثل شهادت، بقا، فنا و... دفعتاً امکان‌پذیر نیست، بلکه در گرو طی فرایند اصولی‌مراحل است که از آنها به مراحل «پردازش، پذیرش و پرورش دین» یاد می‌شود. قابل ذکر است همان‌گونه که پیش‌تر هم توضیح داده شد، بحث از «روش جذبه» و مواردی که با عنایت الهی افراد به مقامات معنوی دست می‌یابند، در این مقاله نیست (برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به: جوادی آملی، ۱۳۸۶)؛ بلکه بحث از روال معمول طی طریق است. دیدگاه کلی پژوهش حاضر بر سه مبنا است: ۱. در انتقال دین، ابتدا بایستی کلیت دین را منتقل کرد؛ ۲. بایستی فرد بتواند آگاهانه پیام کلی (ضرورت، اهمیت و اهداف) دین را بپذیرد و ۳. سپس ضرورت پرورش دستورات الهی را (به صورت فردی و اجتماعی) درک نماید. براساس سه مبنای فوق، سه ضرورت مطرح می‌شود که عبارت‌اند از: ۱. ضرورت پردازش آگاهانه دین قبل از پذیرش آن؛ ۲. ضرورت پذیرش اختیاری و آزادانه دین و ۳. ضرورت پرورش دین پس از پذیرش آن. در ادامه سه اصل زیر براساس سه ضرورت بالا به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرند.

۱. اصل «ضرورت پردازش آگاهانه دین قبل از پذیرش آن»: در مباحث روان‌شناسی هر گاه از پردازش بحث می‌شود منظور درگیر شدن قوای شناختی و عقلانی در موضوع مورد یادگیری است (سیف، ۱۳۸۸). براساس این ضرورت متعلم بایستی قبل از پذیرش دین بتواند دین را پردازش کند. براساس اصل فوق، که در آن تأکید بر فهم و درک یادگیرنده است و قاعدتاً بایستی قبل از بلوغ صورت پذیرد، انتظار این است که نظام تعلیم

1. processing

و تربیت بتواند کلیت دین را به متعلمین منتقل کند. بدیهی است که پرداختن بیش از حد به جزئیات دین در این مرحله مد نظر نیست لیکن متناسب با مرحله شناختی که فرد در آن قرار گرفته است، می‌توان با ارائه موارد عینی منظور را منتقل نمود. تأکید نظام آموزشی در این مرحله بایستی بر فهم و درک یادگیرنده باشد. نظام آموزشی بایستی این فهم و درک را مورد بررسی و آزمایش قرار دهد تا نسبت به درستی آن اطمینان حاصل نماید. آشکار است که چون متعلمین از توانایی‌های متفاوتی برخوردارند، چنین برنامه‌ریزی‌ای بایستی متناسب با میانگین متوسط توانایی‌های دانش‌آموزان باشد. در مراحل پیشرفته‌تر آموزش می‌توان از فعالیت‌های غنایی^۱ برای دانش‌آموزان پرتوان‌تر و آموزش‌های جبرانی^۲ برای دانش‌آموزان کم‌توان‌تر استفاده نمود.

۲. اصل «ضرورت پذیرش آزادانه دین»: پس از اینکه فرد در مرحله اول موفق به درک دین و پردازش آن شد، در این مرحله بایستی با کمال آزادی و اختیار دست به انتخاب بزند. به نظر می‌رسد تأکید بر یکسان بودن برون‌داد آموزش و اینکه به شکل مکانیکی همه متعلمین به یک نتیجه برسند با کلیت و روح دین سازگار نیست. به نظر می‌رسد این موضوع هم از آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره، ۲۵۵) و هم از آیات ابتدایی سوره شعراء قابل برداشت باشد. خداوند در این آیات خطاب به پیامبر مکرم اسلام (ص) می‌فرماید: «شاید تو می‌خواهی خود را هلاک کنی از اینکه آنها ایمان نمی‌آورند. اگر بخواهیم از آسمان نشانه‌ای بر آنها فرومی‌فرستیم تا گردن‌های آنها در برابر آن خاضع گردد» (شعراء، ۲ و ۳). بنابراین، خداوندگاری که تمام موجودات تابع و تسبیح‌گر او بودند اراده فرمود که موجودی مختار در عبودیت بیافریند. اگر اراده خداوند چنین باشد چرا ما بایستی فراتر از آن را بخواهیم و چرا بایستی قدرت خداوند را آنچنان محدود فرض کنیم که اگر تعدادی یا حتی همه افراد از دستورات او (خداوند) سر باز زدند لطمه‌ای به دین وارد می‌شود.

دو نکته در اینجا قابل تأمل و تذکر است: نخست آنکه این ساده‌انگاری است که تصور شود مقصود تربیت حاصل است چنانچه متعلمین آنچه را که نظام آموزش رسمی یا غیر رسمی یا هر سازمان و مبلغ دینی تبلیغ می‌کنند به ظاهر بپذیرند. به نظر می‌رسد چنانچه پذیرش افراد از عمق لازم برخوردار نباشد و یا به خواست و اراده آنان نباشد در درازمدت دوام لازم را نخواهد داشت (شریفی و اسلامیه، ۱۳۸۷). زیرا افرادی که به این شکل دین را می‌پذیرند در برابر حوادث و ناملازمات که در دوران فعلی کم هم نیستند، دین خود را از

1. enrichment
2. compensation

دست می‌دهند و یا با تلقی نادرست و عدم انگیزه دینداری، رفتاری از آنها سرمی‌زند که شاید ضرر آن بیش از منفعتش برای خودشان و جامعه باشد. شاید اینها موارد محدودی از عواقب عدم انتخاب آزادانه دین باشد که برای ما قابل درک است و بسیاری از دلایل دیگر اینکه چرا خداوند اراده فرمود تا افراد به اختیار خود دین را برگزینند برای ما نامشخص باشد. با یک نگاه به مسیر تاریخی حرکت انبیا متوجه صبر و بردباری آنان در برابر عدم پذیرش دین ارائه‌شده توسط افراد خواهیم شد. برای نمونه آنچنان که مشهور است پس از ۹۵۰ سال دعوت مردم به دین از طرف حضرت نوح(ع) تنها تعداد کمی از افراد به او گرویدند. قطعاً اگر در این مسیر پیامبران حوصله و بردباری نداشتند و به افراد قدرت انتخاب نمی‌دادند دین تا این حد با رشد و گرایش روزافزون روبه‌رو نمی‌شد. خدا درباره رسول اکرم(ص) می‌فرماید: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفَنَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ؛ اگر تو آدمی خشن و سختگیر می‌بودی هر آینه مردم از دور تو پراکنده می‌شدند و نمی‌توانستند تو را تحمل کنند» (آل عمران، ۱۵۹).

نکته دوم آنکه چه‌بسا پذیرش ظاهری افراد موجب گمراه کردن برنامه‌ریزان و ارزیابان نظام آموزشی و سازمان‌های دینی گردد. زیرا پذیرش ظاهری دین سازمان‌های رسمی و غیر رسمی آموزشی را متقاعد می‌نماید که همه‌چیز به روال صحیح خود در حال انجام است. در حالی که اگر جامعه با عدم پذیرش دین توسط برخی افراد روبه‌رو شود، به تأمل و پژوهش در چرایی موضوع واداشته می‌شود. در این حالت جامعه ترغیب می‌شود تا با تعمق و تفکر به این سؤال پژوهشی پاسخ دهد که چرا دینی که فطری است (روم، ۳۰) و فطرت انسان‌ها بر آن استوار است مورد پذیرش برخی افراد قرار نمی‌گیرد. بدیهی است پاسخ به این سؤال موجب یافتن اشکالات زیادی در مسیر آموزش خواهد شد و زمینه برای اصلاح آموزش دین فراهم می‌کند. در مقابل هر چقدر فضا برای ابراز نظر مخالف برای پذیرش دین در جامعه تنگ‌تر شود، به همان نسبت اشکالات نظام آموزش دینی مورد غفلت قرار خواهد گرفت، زیرا آگاهانه یا ناآگاهانه اجازه بروز و ظهور نیافته‌اند. به علاوه با دادن اختیار به افراد برای انتخاب، در افرادی که دین را به این شکل انتخاب نموده‌اند، تحرک و تلاش ایحاد می‌نماید که جبران بخش اندکی از جامعه که دین را نپذیرفته‌اند خواهد شد. زیرا دینداری با کیفیت بسیار کارآمدتر از شکلی از دینداری است که از دین تنها ظواهر امور را می‌فهمد. آنچنان که خداوند فرمود: «ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هر گاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر صد نفر

باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند، چرا که آنها (دشمنان دین) گروهی هستند که نمی‌فهمند! هم‌اکنون خداوند به شما تخفیف داد و دانست که در شما ضعفی است؛ بنابراین، هر گاه یکصد نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر پیروز می‌شوند؛ و اگر یک هزار نفر باشند، بر دو هزار نفر به فرمان خدا غلبه خواهند کرد! و خدا با صابران است!» (انفال، ۶۵ و ۶۶).

۳. اصل «ضرورت پرورش دین پس از پذیرش آن»: این اصل اشاره به این واقعیت مهم دارد که اگر پس از پردازش و پذیرش دین، فرد از ادامه مسیر بازماند تنها به «دین حداقلی» بسنده کرده است (حسینی شاهرودی، ۱۳۸۲؛ مزینانی، ۱۳۷۸). براساس آنچه که در نمودار شماره ۱، هویدا است افرادی که دین حداقلی را می‌پذیرند به انجام واجبات و ترک محرمات مبادرت می‌ورزند، اما نیت آنها از این عبودیت دریافت پاداش (تلاش برای دستیابی به بهشت) و فرار از تنبیه (گریز از جهنم) است. البته دینداری در این حد نیز بسیار پسندیده است. همان‌طور که مطرح شد اراده خداوند پس از خلق نظام احسن بر این تعلق گرفت که انبیا را برای هدایت انسان‌ها ارسال دارد و باز اراده فرمود که افراد مختار باشند تا هر نسبتی را که مایلند با دین حق برقرار نمایند. بنابراین، پذیرش دین حداقلی کاملاً در راستای حرکت انبیا است. ولی کسانی که چشم به دوردست‌ها و شاه‌قله‌های رفیع انسانیت و کمال دارند یا به کنه عبودیت یعنی ربوبیت نظر دارند نمی‌توانند در این حد متوقف شوند. بنابراین نظام آموزش دینی بایستی از چنان پتانسیلی برخوردار باشد که بتواند پاسخگوی آن دسته از متعلمینی باشد که آن دوردست‌ها را دنبال می‌نمایند. امام صادق (ع) از این شکل از عبودیت به «عبودیت احرار» یاد می‌نماید (کلینی، ج ۲، ص ۸۴، ح ۵).^۱

براساس دیدگاه حاضر (به نمودار شماره ۱ مراجعه شود) کسانی که مایلند از دین حداقلی عبور نمایند بایستی مسئولیت بیشتری را بپذیرند و لاقلاً سه کار اساسی را به انجام رسانند. نخست آنکه از طریق خودسازی به نهادینه کردن هرچه بیشتر عقاید، اخلاق و احکام دین در خود بپردازند و از طریق اقامه دین در خود به تقوای پرهیز دست یابند. بدیهی است توقف در این مرحله (تقوای پرهیز) و یک‌سونگری می‌تواند فرد را تارک دنیا نماید، امری که مورد عنایت دین مبین اسلام نیست (احسان‌بخش، ج ۷،

۱. امام صادق (ع) می‌فرماید: «عبادت کنندگان سه دسته می‌باشند: گروهی خدا را از سر ترس می‌پرستند که عبادتشان عبادت بردگان است. دسته‌ای خدا را برای رسیدن به ثواب پرستش می‌کنند که چنین عبادتی عبادت تاجرپیشگان و کاسب‌کاران است. عده‌ای خدا را از روی عشق و از سر محبت عبادت می‌کنند که چنین عبادتی عبادت احرار و آزادگان است». در بیان حضرت این قسم سوم افضل عبادت‌ها معرفی شده است (کلینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۴، ح ۵).

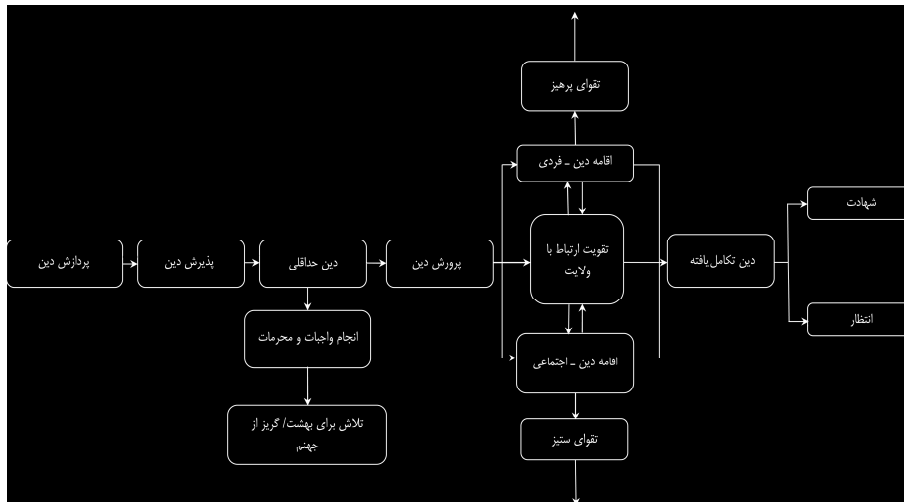
ص ۳۳۴۶)^۱ دو دیگر آنکه سالک این راه باید متناسب با کسب توانایی و صلاحیت‌های لازم در خودسازی، برای نهادینه کردن یا اقامه دین در اجتماع تلاش نماید. بدیهی است چنانچه افراد به اقامه دین در سطح اجتماع توجه نشان دهند اما از بعد خودسازی غفلت ورزند به شکلی دیگر دچار انحراف می‌شوند که باز مورد عنایت اسلام نیست. به میزانی که افراد در انجام این دو وظیفه خطیر توفیق حاصل نمایند می‌توانند به قله‌های رفیع‌تر دین دست یابند. لیکن نکته کلیدی اینجاست که تلاش برای اقامه دین در دو بُعد فردی و اجتماعی بدون تلاش برای وظیفه سوم و خطیرتر از دو مورد قبلی یعنی «تقویت ارتباط با ولایت» غیر قابل تصور است (مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره). برخلاف عقیده‌ای که فرض می‌نماید راه‌های رسیدن به خداوند بسیار متعدد و متنوع است و هر کس می‌تواند از یک مسیر به این هدف (معرفه‌الله یا قرب الهی) دست یابد، شواهد و مستندات بسیار زیادی وجود دارد مبنی بر اینکه راه رسیدن به خداوند، تنها یک راه است و آن همان راهی است که تمام انبیا و اولیای الهی پیموده‌اند و آن جزء طریق خاتم‌النبین (ص) و امامان (ع) نیست (همان). بنابراین، گرچه حتی عبادت کسانی که به دین حدافلی رضایت داده‌اند بدون اعتراف و تصدیق به مقامات و ولایت پیامبر خاتم (ص) و امامان (ع) بی‌اجر و بی‌فایده است اما مخصوصاً تقویت ارتباط با ولایت برای کسانی که مطالبات بالاتری از دین را جستجو می‌کنند، بسیار خطیرتر و مهم‌تر است.

براساس اعتقادات دینی برای اقامه دین در ابعاد فردی و اجتماعی آن، متدینین بایستی خود را تحت ولایت این بزرگواران قرار دهند. از جمله مستندات فراوان در این زمینه زیارت جامعه کبیره است که می‌فرماید: «هر کس از طریق شما برگشت، از دین خارج شده و هر کس ملازم امر شما بود، به شما ملحق گشت و هر کس در حق شما مقصر بود محو و باطل گردید (مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره).^۲ به دلیل جایگاه ویژه ولایت در آموزه‌های دینی موضوع «تقویت ارتباط با ولایت» در نمودار شماره ۱ به شکل دایره به

۱. در این زمینه روایات زیادی وجود دارد که برای نمونه به برخی موارد به نقل از رسول‌گرامی اسلام (ص) اشاره می‌شود: «خدای تبارک و تعالی ما را به رهبانیت و گوشه‌گیری مأمور نکرده است» (مجلسی، ۱۳۷۲، ج ۶۷، ص ۱۱۵؛ احسان‌بخش، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۳۷). «بر شما باد به جهاد در راه خدا که همانا رهبانیت امت من جهاد و پیکار در راه خدا می‌باشد» (شیخ‌عباس، قمی، ج ۱، ص ۵۴۰). «قیامت بر اتم رخ نماید تا اینکه قومی از امت من به پا خیزند که نامشان "صوفیه" است. آنها از من نیستند. حلقه‌های ذکر به وجود می‌آورند و فریادها بلند کنند. گمان کنند که بر روش من می‌باشند ولی آنها از کفار گمراه‌ترند و از اهل آتش می‌باشند» (احسان‌بخش، ج ۷، ص ۳۳۴۶).

۲. امام صادق (ع) فرمودند: «انها احبُّ ان يُعرفَ بالرجالِ و ان يُطاعَ بطاعتهم؛ خداوند دوست دارد که از طریق شخصیت‌هایی شناخته شود و از طریق تبعیت از آنها اطاعت شود». (مجلسی، ۱۳۷۲، ص ۲۵۲) یا در فرازی از دعای ندبه می‌خوانیم: «این السبب المتصل بین الارض والسماء» یعنی کجاست آنکه موجب اتصال بین زمین و آسمان است.

معنای قلب و جایگاه مرکزی دیدگاه حاضر در نظر گرفته شده است. براساس دیدگاه حاضر چنانچه افراد با تلاش فردی و توفیق از جانب پروردگار کریمی که دائم در حال فیض بخشی است، بتوانند این مسیر را طی نمایند قادر می‌شوند که قله‌های رفیع دین را فتح نمایند.



نمودار ۱: نمودار نظریه برداش، پذیرش و پرورش دین

بررسی وضعیت موجود شکل‌گیری اعتقادات دینی و جایگاه نظام تعلیم و تربیت در مسیر تربیت دینی: گرچه برای درک وضعیت موجود شکل‌گیری اعتقادات دینی در جامعه نیاز به تحقیقات میدانی زیادی وجود دارد اما فرضیه‌ای که سریعاً ذهن محقق دینی را به خود معطوف می‌دارد این است که وضعیت موجود با وضعیت مطلوب آموزش دین فاصله بسیار دارد. اما نگارنده این سطور علاقه‌مند است از بین سه مرحله ارائه‌شده در دیدگاه حاضر یعنی مراحل برداش، پذیرش و پرورش دین، به تفاوت وضع موجود و وضع مطلوب در مرحله سوم اشاره‌ای داشته باشد. چنانچه موارد استثناء کنار گذاشته شوند، به نظر می‌رسد بیشتر افراد مرحله سوم آموزش را تقریباً در طول عمر خود از دست می‌دهند. از دست دادن یک مرحله بسیار مهم از آموزش دین در جامعه میلیونی مثل جامعه ایران خسارت‌های بسیار زیانباری را به دنبال خواهد داشت. به عبارت دیگر، افراد با از دست دادن مرحله پرورش دین عمدتاً به دلیل غفلت به دین حداقلی اکتفا می‌نمایند و از دستیابی به مفاهیم بلند دینی محروم می‌شوند. نکته اینجا است که از دست دادن مفاهیم بلند دینی تنها اثرات اخروی به دنبال ندارد. با دین حداقلی افراد کمتر قادر خواهند بود اثرات مثبت

دینداری را در زندگی روزمره خود لمس نمایند. زیرا دین حداقل، اثرات حداقلی را نیز از خود به جای می‌گذارد.

اینکه برخی از تحقیقات عدم رابطه مثبت بین دینداری و بهداشت روان یا سایر شاخص‌های جسمی و روانی را نشان می‌دهند احتمالاً به همین دلیل است (نسابه، ۱۳۸۴). باید به ایمان به مثابه یک موجود زنده نگاه کرد (ایمان شاهدانه در مقابل ایمان غایبانه، برای اطلاع از جزئیات مراجعه شود به: مصباح یزدی، ۱۳۸۹). دو بحث قرآنی «ذکر» و «احساس حضور» به همین مبنا برمی‌گردد. اساساً ایمانی که در یک فایل در بسته در گوشه‌ای از ذهن نگهداری می‌شود تأثیرگذار نیست. این موضوع یعنی فقدان چشیدن دین به نوبه خود روی اعتقادات افراد تأثیر می‌گذارد و تبدیل به یک دور باطل می‌شود. به علاوه، شاهدان بیرونی و کسانی که اعتقادات ضعیف‌تری دارند نیز نمی‌توانند تأثیرات عملی دینداری را دریابند. این موضوع به نوبه خود ممکن است فرضیه غلط آنان مبنی بر اینکه دین تأثیر عملی ندارد و یا حتی تأثیر منفی دارد را در ذهن آنان قوت بخشد. همچنین افراد با دست‌مایه‌های دینی کمتر، دچار خطاهای بیشتر و تأثیرگذاری مثبت کمتر می‌شوند. اگر جامعه از مجموع افراد تشکیل شده است که تأثیر متقابل روی همدیگر دارند و اگر جامعه غنی‌تر از افراد غنی‌تری تشکیل شده است و اگر مسلمانان مدعی تأثیرگذاری و تمدن‌سازی جهانی هستند، معقول آن است که برنامه‌ریزان درسی تمام همت خود را به خدمت گیرند تا با برنامه‌ریزی دقیق‌تر توجه افراد را به ضرورت پرورش دین، پس از پردازش و پذیرش دین جلب نمایند تا افراد جامعه چنین فرصت‌های طلائی برای یادگیری را مغتنم بشمارند.

وقتی به اعتقادات دینی افراد در سنین بلوغ می‌نگریم و آن را با اعتقاداتشان در سال‌های بعدی و حتی کهنسالی آنان مقایسه می‌کنیم، غالباً رشد چندانی را ملاحظه نمی‌کنیم. این موضوع آنچنان از شیوع بالایی برخوردار است که حتی عدم تفاوت اعتقادات دینی در فاصله زمانی نوجوانی تا پیری توجه جامعه و حتی متخصصان مربوط مثل برنامه‌ریزان درسی و روان‌شناسان را به خود معطوف نمی‌نماید. این در شرایطی است که توقف افراد در سایر جنبه‌های رشدی حتی توسط افراد غیر متخصص درک می‌شود. برای مثال اگر رشد اجتماعی، اخلاقی، درک سیاسی و حتی رشد در جنبه‌های اقتصادی یک جوان ۳۰ ساله با زمان نوجوانی او تفاوتی نکرده باشد جامعه آن را یک ضرر بزرگ تلقی می‌نماید. اما عدم رشد اعتقادات دینی که اساساً انسان برای آن آفریده شده است، حساسیتی را در ما ایجاد

نمی‌کند. این یک غفلت بزرگ و یک نمونه بارز از علم سکولار است، چون تنها چنین عدم حساسیتی از یک جامعه علمی سکولار برمی‌آید.

مستندات اعتقادی دیدگاه پردازش، پذیرش و پرورش دین: در خصوص مستندات اعتقادی دیدگاه حاضر، موارد فراوانی وجود دارد که در هر مورد فقط به یک یا دو نمونه اشاره می‌شود. در مورد مرحله پردازش و اهمیت تدبیر، تأمل و تفکر پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «یک ساعت تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است» (مصطفوی، ۱۳۸۳، ص ۴۲۳) و یا «کسی که از عقل برخوردار نیست ارزش دین را هم درک نمی‌کند» (احرانی، ۱۳۸۹، ص ۵۴). در مورد مرحله پذیرش دین در رساله‌های عملیه آمده است که پذیرش اصول دین به صورت تقلیدی باطل است (رسالة توضیح المسائل)^۱ و یا «در پذیرش دین اکراهی نیست» (بقره، ۲۵۵).

در مرحله پرورش دین اشاره به سه ضرورت مهم شد که عبارت‌اند از: بخش اقامه دین به صورت فردی، بخش اقامه دین به صورت اجتماعی و بخش تقویت ارتباط با ولایت. مستند بخش اقامه دین به صورت فردی، موارد بسیاری است که در آیات و روایات مؤمنان را به تقوای الهی ترغیب نموده است. برای بخش اقامه دین به صورت اجتماعی دو مورد زیر مستند پژوهش حاضر است: ۱. «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَى؛ بگو من شما را به یک موعظه نصیحت می‌کنم و آن اینکه فردی و گروهی برای خدا قیام کنید». (سبأ، ۴۶) و ۲. «اگر کسی صبح کند و به فکر مشکلات مسلمانان نباشد اصلاً مسلمان نیست» (مجلسی، بی‌تا، ص ۳۷). برای بخش جایگاه ولایت به حدیث سلسله‌الذهب اشاره می‌شود. امام رضا (ع) در نیشابور فرمودند: «کلمه لا اله الا الله حصنی و... من دخل حصنی آمن من عذابی ولکن بشروطها و ان من شروطها» یعنی کلمه توحید «لا اله الا الله» دژ من است. هر کس در آن داخل شود از عذاب من ایمن خواهد بود. پس آنگاه که مرکب حرکت کرد، حضرت ندا در دادند و فرمودند: با شرایط آن و من از شرطهای آن هستم.

مبانی روان‌شناختی نظریه پردازش، پذیرش و پرورش دین: مهم‌ترین مبانی روان‌شناختی دیدگاه حاضر به این شرح است:

۱. اصول حاکم بر رشد از جمله:

۱-۱. رشد ابتدا کلی و سپس جزئی است (بورنستین و لمب، ۲۰۰۵) مستندی برای اینکه ابتدا بایستی کلیت دین را دریافت و سپس وارد جزئیات شد.

۱. برای مثال آیت‌الله مکارم شیرازی: «هیچ مسلمانی نمی‌تواند در اصول دین تقلید نماید بلکه باید آنها را از روی دلیل، به فراخور (و متناسب) حال خویش، بداند» (رسالة توضیح المسائل، مسئله ۱).

۱-۲. رشد تدریجی است (همان). اشاره به اینکه دریافت مفاهیم عالی‌تر دینی در گرو دریافت‌های مقدماتی‌تر است.

۱-۳. رشد بایستی همه‌جانبه باشد (همان). اشاره به اینکه یکی از ابعاد مهم رشد، رشد معنوی است که همواره مخصوصاً پس از دوران بلوغ بایستی جریان داشته باشد.

۱-۴. جایگاه مهم هوش معنوی^۱ در میان سایر ابعاد هوش (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶). اشاره به اینکه هوش معنوی جایگاهی بالاتر از هوش هیجانی^۲ و هوش هیجانی جایگاهی بالاتر از هوش شناختی^۳ دارد (اتکینسون، ۲۰۰۶) و این بیانگر ضرورت توجه به این بعد از ابعاد انسانی است.

۲. «تئوری رشدشناختی پیازه» (شافر و کیب، ۲۰۰۹) مستندی برای برنامه پیشنهادی آموزشی ابتدایی و دبیرستان آنچنان که بعداً خواهد آمد، که بایستی مبتنی بر دو دوره تفکر عینی و تفکر انتزاعی باشد.

۳. «تئوری معنی‌داری آزوبل در یادگیری» (جوناسن، هاولند و مارا، ۲۰۰۸) این نظریه تأکید بر درک و فهم در یادگیری دارد، خصوصیتی که برای مرحله پردازش دین مورد تأکید نوشتار فعلی است.

۴. «تئوری رشد روانی - اجتماعی اریکسون» (پریچارد، ۲۰۰۹). مرحله دوم دیدگاه حاضر، یعنی مرحله پذیرش دین، مصادف با دوران بلوغ در نظر گرفته شده است که این موضوع با خصوصیات رشد روانی - اجتماعی نوجوان هماهنگ است. از نظر اریکسون نوجوان در این مرحله به دنبال دستیابی به یک هویت مشخص و حل تضاد هویت در مقابل سرگردانی نقش، قرار دارد.

۵. «اصول حاکم بر تئوری‌های رشد» بیان می‌کنند که آموزش جزئیات بایستی در پرتو کل صورت گیرد (پین، فراگری و سبیری، ۲۰۰۳). دیدگاه حاضر بر این نکته تأکید می‌ورزد که آموزش مفاهیم دینی مثل هر نوع آموزش دیگر نمی‌تواند به صورت مفاهیمی مجزا و مجرد از سایر مفاهیم مربوط آموزش داده شود و یا برای آموزش مؤثر و پایدار بایستی به آموزش به عنوان یک مسیر و الگو نگاه کرد.

مقایسه چارچوب نظری دیدگاه حاضر با اهداف ساحت تربیت دینی و اخلاقی در سند ملی آموزش و پرورش: پیش‌نویس سند ملی آموزش و پرورش با هدف تبیین تعاریف،

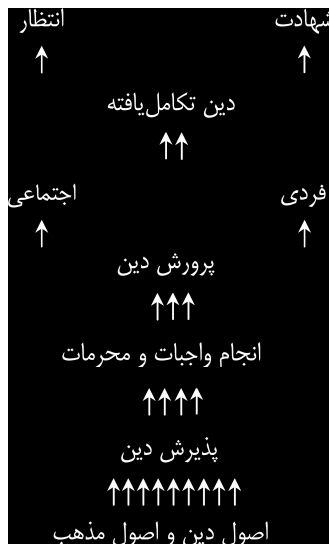
1. Spiritual Quotient (SQ)
2. Emotional Quotient (EQ)
3. Intelligence Quotient (IQ)

مبانی، اصول، ارکان، حیطه‌ها، اهداف، روش‌ها و... اخیراً منتشر شده است (صادق‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸). براساس این سند پنج هدف عمده در ساحت تربیت دینی و اخلاقی به شرح زیر تعریف شده است: ۱. انتخاب و التزام آزادانه و آگاهانه دین حق...؛ ۲. تلاش مداوم جهت ارتقای ابعاد معنوی وجود خویش...؛ ۳. خودشناسی برای پاسخگویی مسئولانه به نیازها...؛ ۴. تلاش پیوسته برای خودسازی... و ۵. حضور مؤثر و سازنده در تمام شؤون زندگی... با مقایسه اهداف ساحت تربیت دینی و اخلاقی با چارچوب نظری مطالعه حاضر، مشخص می‌شود، هدف اول که بر انتخاب آزادانه و آگاهانه دین حق تأکید می‌ورزد، به ترتیب با دو مرحله پذیرش و پردازش دین در مطالعه حاضر کاملاً منطبق است. اهداف دوم، سوم و چهارم که به ترتیب «تلاش مداوم جهت ارتقای ابعاد معنوی وجود انسان»، «خودشناسی» و «تلاش پیوسته برای خودسازی» را مطرح می‌نمایند با بخش «خودسازی از مرحله سوم (یعنی پرورش دین)» منطبق است و بالأخره هدف پنجم سند ملی یعنی «حضور مؤثر و سازنده در تمام شؤون زندگی» با بخش «جهاد یا اقامه دین در اجتماع از مرحله پرورش دین» هماهنگ است. در بخش دوم پژوهش تلاش می‌شود تا ضمن ارائه تعریفی از ایثار و شهادت و تبیین جایگاه ایثار و شهادت در دین، برداشت‌های مختلفی که از انتقال فرهنگ ایثار و شهادت مطرح است بیان شود و سپس مواد آموزشی پیشنهادی برای سه مقطع دبستان، راهنمایی و دبیرستان، با توجه به دیدگاه ارائه‌شده برای نحوه تربیت دینی ارائه می‌شود.

ارائه تعاریفی از ایثار و شهادت: ایثار در لغت به معنای بذل کردن، دیگری را بر خود برتری دادن و سود او را بر سود خود مقدم داشتن است (عمید، ۱۳۷۶، ص ۲۲۲). ایثار مفهومی تشکیکی و ذومراتب و اوج آن بذل جان (شهادت) است. همچنین برای شهید تعاریفی چون «آنکه چیزی از علم بر وی پنهان و پوشیده نیست، شاهد، گواه و کشته شدن در راه خدا» ذکر شده است (همان، ص ۸۱۲). شهادت نیز مفهومی ذومراتب دارد. به لحاظ تخصصی نیز می‌توان از شهادت تعاریفی بسیار غنی‌تر داد. برای مثال «شهادت عهدی است که یک انسان به مقام محبت رسیده می‌بندد. شهید فقط نمی‌خواهد خودش به وصال برسد، بلکه می‌خواهد اولاً نام و یاد محبوب او زنده باشد (که این فرق شهادت با سایر روش‌های سلوک مثل بیماری، فقر و... را نشان می‌دهد) و ثانیاً حجاب ظهور حقیقت برداشته شود (کنار زدن انسان‌های طاغی و هموار کردن راه برای دیگران) (میرباقری، ۱۳۸۸). هر وقت بحث از مفاهیم بلند دینی مثل شهادت می‌شود بایستی به این سؤال

پاسخ داد که آیا مفاهیمی مثل شهادت یک «لفظ» یا یک «کیفیت» هستند؟ یک «مفهوم» یا یک «مقام» هستند؟ زیرا نوع پاسخ به این سؤال تعیین کننده نوع آموزش است. اگر شهادت یک «لفظ» یا یک «مفهوم» تلقی گردد، آنگاه آموزش آن مانند بسیاری از واحدهای مفهومی دیگر ممکن است در یک یا دو جلسه آموزش امکان پذیر باشد. اما چنانچه شهادت یک «کیفیت» یا یک «مقام» فرض شود آنگاه ممکن است فرد یا نظام آموزشی لازم باشد که عمری را صرف آن نماید. بدیهی است که نوشتار حاضر از این مفاهیم برداشت اخیر را لحاظ می نماید.

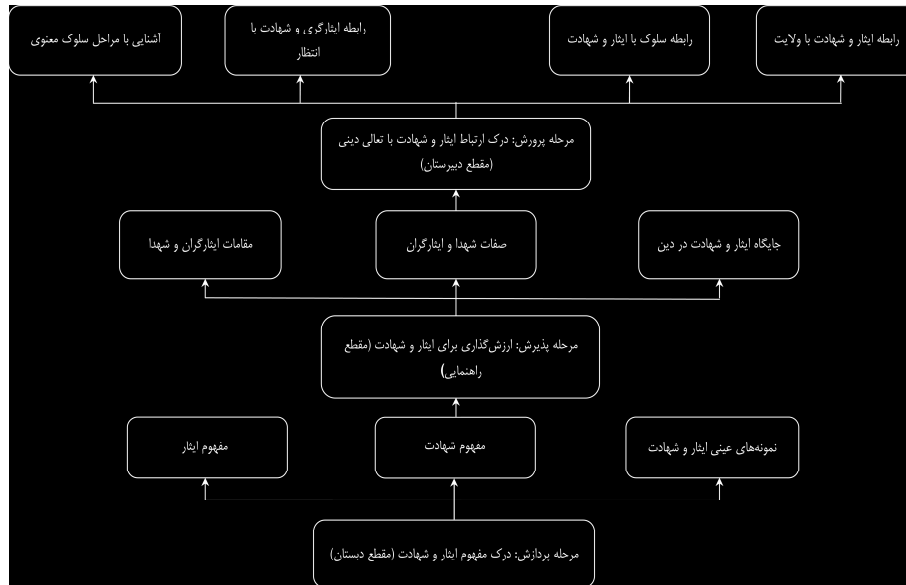
جایگاه شهادت در دین: براساس مستندات موجود جایگاه شهادت در بالاترین بخش از هرم رشد دینداری قرار دارد آنچنان که خدا فرموده است: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (آل عمران، ۱۶۹) و یا «شهادت نظر می کند به وجه الله و این نظر به وجه الله راحت است برای هر نبی و هر شهید» (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۱۲). امام خمینی (ره) در همین رابطه فرمودند: «مژده داده اند که برای شهدا، این آخر منزلی که برای انبیا هست، شهدا هم بر حسب حدود وجودی خودشان به این آخر منزل می رسند. این آخر چیزی است برای انسان، آخرین کمالی است که برای انسان است. این روایت انبیا را مقارن شهدا قرار داده است که در جلوه ای که حق تعالی می کند بر انبیا، همان جلوه را بر شهدا می کند» (وکیلان، ۱۳۶۲). نمودار شماره ۲، این جایگاه را که مقارن «انتظار» فرض شده است، نشان می دهد.



نمودار ۲: جایگاه شهادت در هرم رشد دینداری

نحوه انتقال فرهنگ ایثار و شهادت (براساس نظریه موجود): براساس تعریف فرهنگ عبارت است از «مجموعه پیچیده‌ای که دربرگیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هر گونه توانایی دیگری است که به وسیله انسان به عنوان عضو جامعه کسب شده است» (روح‌الامینی، ۱۳۸۳). حداد عادل (۱۳۸۷) فرهنگ را «دستاورد و ظهور هر آنچه را که به خصوصیات انسانی انسان و در یک کلمه به شأن انسان مرتبط است» تعریف می‌کند. منظور از فرهنگ ایثار و شهادت در اینجا می‌تواند هر آنچه که در فرهنگ عمومی از جمله رویه‌ها، آداب، رسوم و... رایج است باشد و یا منظور از فرهنگ، فرهنگ دینی و اسلامی در باب ایثار و شهادت باشد. گرچه که منظور اول از فرهنگ در جای خود دارای اهمیت است اما به نظر می‌رسد تکیه بر منظور اخیر، به فضای بحث حاکم بر این نوشتار بیشتر مربوط باشد. بر این اساس و متناسب با دیدگاه پردازش، پذیرش و پرورش دین پیشنهاد می‌شود که معنا و مفهوم لفظی ایثار و شهادت همچنین ارائه نمونه‌های عینی آن در مقطع دبستان (به عنوان مرحله آشنایی و پردازش)، بیان جایگاه، صفات و مقامات ایثارگران و شهدا در مقطع راهنمایی (به عنوان مرحله ارزش‌گذاری کردن و پذیرش) و درک ارتباط ایثار و شهادت با تعالی دینی و ضرورت تلاش فردی برای دستیابی به جایگاه صفات و مقامات ایثارگران و شهدا در مقطع دبیرستان (به عنوان مرحله تلاش‌های مقدماتی برای متصف شدن و پرورش یافتن) مورد بحث و آموزش قرار گیرند.

جزئیات این پیشنهاد در نمودار شماره ۳ آورده شده است. نکته حائز اهمیت آن است که از هر نوع بزرگ‌نمایی و تأکید و اهمیت بیش از حد قائل شدن در آموزش این‌گونه مفاهیم جداً بایستی اجتناب نمود. آنچنان که ذکر آن رفت (به نمودار شماره ۱ توجه شود) آموزش مفاهیم دینی بایستی از یک الگو و مسیر تبعیت نماید و از آنجا که مفاهیم بلند دینی در مراحل پیشرفته‌تر سلوک دینی قابل جذب و هضم و دریافت واقعی است، نباید بیش از اندازه روی این مفاهیم توقف نمود. به نظر می‌رسد این عقیده که استقبال کمتر از فرهنگ ایثار و شهادت به این دلیل است که حجم مطالب ارائه‌شده در کتب درسی به اندازه کافی نیست، برخاسته از یک دیدگاه کمیت‌گرا و غیر تخصصی است که به ضرورت تربیت دینی به عنوان یک مسیر، الگو و نظریه کمتر توجه نموده است (سعیدی رضوانی و عرب زوزنی، ۱۳۸۵؛ ریموند و کریستال، ۲۰۰۵).



نمودار ۳: مراحل آموزش مفهوم ایثار و شهادت

بحث

هدف اصلی از پژوهش حاضر یافتن پاسخ به این سؤال است که چگونه می‌توان فرهنگ ایثار و شهادت را منتقل کرد. آنچه که در تحقیقات پیشین صورت پذیرفته بود در مجموع ارائه راهکارهایی برای پاسخ به سؤال مذکور بود. در پیش روی تمام این تحقیقات دو سؤال اساسی وجود داشت. نخست آنکه اساساً تربیت به چه معنی است؟ دیگر آنکه آیا مفاهیم بلندی چون ایثار و شهادت یک «لفظ و مفهوم» هستند که بایستی منتقل شوند و یا یک «مقام و کیفیت» هستند که بایستی در گذر زمان به دست آیند؟ (میرباقری، ۱۳۸۸) پاسخ به این دو سؤال استراتژی آموزش را مشخص خواهد کرد. چنانچه مفاهیمی چون ایثار و شهادت «لفظ و مفهوم» تلقی شوند، آنگاه متخصص برنامه‌ریزی درسی کار دشواری پیش روی نخواهد داشت. اما اگر ایثار و به‌ویژه شهادت «مقام و کیفیت» تلقی شوند، آنگاه بایستی از مقدمات خاص خود عبور کنند و طی این مقدمات بدون داشتن یک تحلیل مشخص از مسیر آموزش سودمند نخواهد بود. با باورداشت این نکته که ایثار و شهادت مقام هستند، محقق پژوهش حاضر کوشیده است تا به حد بضاعت خود با استناد به آیات و روایات و با بهره‌گیری از

دانش روان‌شناسی به تبیین مسیری پردازد که این هدف را تأمین نماید. امید نگارنده برای ورود در این بحث و فرض او آن بود که اگر فرد این مسیر را آغاز نماید آنچنان که فرمود: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت، ۶۹)، خداوند او را هدایت خواهد کرد.

بنابراین تمام تلاش مقاله حاضر آن است که ضرورت ورود و شروع حرکت در این مسیر را به معلم گوشزد نماید و فراتر از آن ادعایی ندارد. اگر نظام آموزشی رسمی و غیر رسمی بتواند متعلمین را نسبت به این ضرورت متقاعد نماید آنگاه می‌توان فرض نمود که حداقل افراد آماده‌تر با گام زدن در این مسیر تحول آفرین شوند.

آنچنان که گذشت فرض زیربنایی نوشتار حاضر آن است که برای انتقال فرهنگ ایثار و شهادت بهتر آن است که ابتدا دین خوب مطرح شود. اگر دین خوب مطرح شود با توجه به فطری بودن آن (روم، ۳۰)، آنگاه افراد بایستی به‌راحتی دین را بپذیرند. هر گاه این اتفاق نیفتاد و نظام آموزشی خواست که با توسل به روش‌های غیر اصولی اهداف خود را پیش ببرد آنگاه متخصصان تعلیم و تربیت، روان‌شناسان و محققان علوم دینی وظیفه دارند که پارادایم معرفی دین را مجدداً بازنگری نمایند (نوذری، ۱۳۸۸). اگر پارادایم معرفی دین خوب عمل نماید باید حاصل آن ساختن انسان‌هایی باشد که هر گاه موجودیت دین را در خطر دیدند، حاضر باشند که برای حفظ آن جان خود را فدا کنند و این یعنی ایثار و شهادت. برای مثال، زمانی که با جنگ تحمیلی دین به خطر افتاد افراد با هجوم خود به جبهه‌ها تا مرز شهادت به دفاع از دین برخاستند.

حاصل کلام آنکه مفاهیم بلند دینی در گذر زمان به دست می‌آیند. بنابراین دیدگاه حاضر از آن جهت رویکرد نرم لقب گرفته است که متناسب با شرایط روحی روانی کودک و نوجوان تنظیم شده است. بنابراین به جای تأکید روی کمیت مفاهیم دینی ارائه شده در کتب درسی بایست روی تناسب مطالب و ابتدای مطالب بر روی یک الگو، مسیر و نظریه تربیتی متقن نظر داشت. برای جلوگیری از اطاله کلام رهنمودهای کاربردی برای گذار از سه مرحله پردازش، پذیرش و پرورش دین به‌اختصار در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: رهنمودهای کاربردی برای گذار از سه مرحله پردازش، پذیرش و پرورش دین در الگوی تربیت دینی ارائه شده

مرحله اول - پردازش دین (قبل از بلوغ)	مرحله دوم - پذیرش دین (دوران بلوغ)	مرحله سوم - پرورش دین (پس از بلوغ)
۱. تأکید روی درک و فهم مفاهیم دینی؛ ۲. استفاده از روش‌های تدریس مناسب (مثل مباحثه، سؤال و جواب، طرح اشکال و پاسخ‌یابی و...); ۳. طرح مسائل متناسب با رشد شناختی کودک؛ ۴. تنظیم طرح درس (syllabus) براساس روش‌های عینی در مقطع دبستان؛ ۵. هماهنگی آموزش‌های رسمی و غیر رسمی (مدرسه، خانواده، رسانه)؛ ۶. ایجاد فضا و فرصت مناسب برای تعمیق یادگیری.	۱. ایجاد مواد و امکانات آموزشی (کتابخانه، CD، ...) برای پژوهش توسط متعلم؛ ۲. ایجاد فرصت برای متعلم جهت طرح سؤالات خود با کارشناس دینی؛ ۳. ایجاد دوره‌های بازآموزی برای کارشناسان دینی در دو بعد آموزش‌های دینی به روش‌های نوین و خصوصیات رشدی و روان‌شناختی یادگیرندگان؛ ۴. توجه به تفاوت‌های فردی یادگیرنده (هوش معنوی، آمادگی‌های قبلی و...) در گذار از این مرحله با موفقیت؛ ۵. تنظیم برنامه جبرانی و غنایی برای پوشش تفاوت‌های فردی در دانش‌آموزان؛ ۶. بررسی علت عدم توفیق برخی از دانش‌آموزان در گذار از این مرحله به جای اصرار بر پذیرش دین.	۱. تقویت برنامه‌های دو مرحله قبلی (پردازش و پذیرش)؛ ۲. چشیدنی کردن دین از طریق تقویت ارتباط بین باور و عمل؛ ۳. توجه دادن دانش‌آموزان به ضرورت پرورش اعتقادات دینی در دو زمینه فردی و اجتماعی (اقامه دین)؛ ۴. تصحیح و تعدیل برداشت‌های دانش‌آموزان از موضوعات اعتقادی توسط کارشناسان زبده دینی؛ ۵. ایجاد زمینه برای تبادل تجارب معنوی فراگیران و مراقبت بر انتقال صحیح آن؛ ۶. تبیین خصوصیات انواع ایمان (غایبانه، شاهدانه، خائفانه و...); ۷. تبیین نظام سلسله‌مراتب ایمان (نحوه رسیدن، معیارهای وصول و جگونگی ارزیابی برای هر سنجه)؛ ۸. توجه به تفاوت‌های فردی در فراگیران برای طی این مرحله.

جمع‌بندی و کلام پایانی

اساساً مفاهیم بسیار متعالی دینی مثل شهادت، فنا، بقا بالله و... آموزش دادنی است، اما بیشتر آموختنی است، دانستنی است اما بیشتر از آن رفتنی و گام زدن در این مسیر است. اینک سؤال اینجاست، در کجا نظام آموزشی می‌تواند بیشتر مفید واقع شود؟ نظام آموزشی می‌تواند مقدمات را آموزش دهد، در به راه افتادن فرد به او کمک کند، ضرورت تداوم گام برداشتن در این مسیر را برای یادگیرنده توجیه نماید و مراقبت نماید که فرد در این مسیر بدرستی حرکت نماید و همواره خود را مددکار متعلمین بداند.

اما وظیفه یادگیرنده چیست؟ طالب این موارد بایستی ابتدا مفاهیم پایه‌ای در مکتب الهی را ادراک و سپس با تمام وجود بپذیرد. پس از آن به ضرورت پرورش مفاهیم اعتقادی در درون خود (خودسازی) و سپس جامعه (جهاد فی سبیل الله) برسد. در این مرحله فرد پیوندی ناگسستنی با دین برقرار می‌نماید (مقام محبت) و تمام امیال و آرزوهای خود را در بلوغ دین می‌بیند و بنابراین بقای دین را بر بقای فردی و گروهی ترجیح می‌دهد و حاضر می‌شود که جان خود را فدای آن کند و در نهایت از طریق سلوک یا جذب به که اولی رفتنی و دومی بردنی است به عهد خود که شهادت یا انتظار است عمل می‌نماید.

پیشنهادها

۱. تبیین انواع ایمان (خائفانه، غایبانه، شاهدانه، متوکلانه، امیدوارانه و...) و نحوه ارتقای هر یک؛
۲. تعیین مراتب ایمان، معیارها و راه‌های رسیدن به هر مرحله؛
۳. تعیین نحوه ارزیابی در هر مرحله؛
۴. نقد و ادامه کار پژوهش حاضر به صورت یک گروه تحقیقاتی.

منابع

- قرآن کریم.
- احسان یخش، صادق (بی‌تا)، آثار الصادقین، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت(ع).
- احمدیان، ابراهیم (۱۳۸۵)، ترجمه نهج‌الفصاحه، قم: گلستان.
- اسکاچیول، تدا (۱۳۸۸)، بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی، ترجمه هاشم آقاجری، تهران: مرکز.
- امیرحسینی، مازیار (۱۳۸۷)، «مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی در تدوین اصطلاح‌نامه پزشکی ایرانی و اسلامی»، کتاب ماه علوم و فنون، مهر، س ۲، ش ۱۸، ص ۶-۲۹.
- باقری، خسرو (۱۳۷۹)، «تربیت دینی در برابر چالش قرن بیست و یکم»، مجموعه مقالات تربیت اسلامی، ج ۳، قم: مرکز تربیت اسلامی.
- بیلر، رابرت (۱۳۶۸)، کاربرد روان‌شناسی در آموزش، ترجمه پروین کدیور، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پوراابراهیمی، محجوبه (۱۳۸۸)، مقایسه هوش معنوی در دو گروه از دانشجویان، پایان‌نامه کارشناسی روان‌شناسی بالینی دانشگاه شیراز.
- تاجور، آذر؛ سیاوش پورطهماسبی و امین حسینی (۱۳۸۷)، «نقش آموزش و پرورش در نهادینه کردن فرهنگ ایثار و شهادت»، مجموعه مقالات همایش ملی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، شمس‌الوحي تیریزی (سیره علمی علامه طباطبایی)، قم: نشر اسراء.
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۷)، «فرهنگ»؛ به نقل از سایت:
<http://forum.persiandown.com/thread34396.html>.
- حرانی، ابومحمدحسن (۱۳۸۹)، تحف‌العقول عن آل‌الرسول(ص)، ترجمه صادق حسن‌زاده، تهران: آل‌علی(ع).
- حسینی تهرانی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۵)، رساله لب‌الباب در سیر و سلوک اولی‌الالباب، مشهد: علامه طباطبایی.

- حسینی شاهرودی، مرتضی (۱۳۸۲)، تعریف و خواستگاه دین، مشهد: آفتاب دانش.
- حسینی، سیدحسین (۱۳۸۲)، «نگار انسانی (مروری بر مبانی انسان‌شناسی دینی با نظری به تفسیر المیزان)»، ماهنامه معرفت، س ۱۲، ش ۶۹، ص ۵۳-۵۹.
- خاکزاد، ملیحه و زاهد غفاری (۱۳۸۷)، «بررسی و تبیین عوامل مؤثر در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در بین دانشجویان دانشگاه شاهد» مجموعه مقالات همایش ملی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- خدایاری‌فرد، محمد؛ باقر غباری بناب و محسن شکوهی یکتا (۱۳۸۰)، «گستره پژوهش‌های روان‌شناختی در حوزه دین»، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۶(۴): ۴۵-۵۳.
- _____ (۱۳۷۹)، «آماده‌سازی مقیاس نگرش مذهبی دانشجویان»، مجله روان‌شناسی، س ۴، ش ۳، ص ۲۶۸-۲۸۵.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۸)، «روش‌شناسی عمومی نظریه‌پردازی»، روش‌شناسی علوم انسانی، س ۱۵، ش ۵۸، ص ۷-۳۲.
- دولابی، محمداسماعیل (۱۳۸۳)، طوبی محبت، ج ۱، تهران: محبت.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۳)، زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران: دانشگاه پیام نور.
- زاهد زاهدانی، سیدسعید؛ محسن جاجرمی‌زاده؛ سیدمحمدرضا تقوی؛ عطاالله ربیعی؛ مهدی فاطمی‌پور و بهادر سرانجام (در دست تهیه)، «برنامه‌ریزی فرهنگی برای اقشار مختلف دانشگاهی: چيستی و چگونگی فرهنگ پایه اسلامی و سکولار و راهبردهای لازم برای تقویت فرهنگ اسلامی»، معاونت فرهنگی دانشگاه شیراز.
- سعیدی رضوانی، محمود و احمد عرب زوزنی (۱۳۸۵)، «فرهنگ شهادت در کتب درسی دوره راهنمایی»، مجموعه مقالات نخستین همایش علمی فرهنگ ایثار و شهادت، شیراز: دانشگاه شیراز.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۸)، روش‌های مطالعه و یادگیری، تهران: نشر دوران.
- شریفی، اصغر و فاطمه اسلامیه (۱۳۸۷)، «بررسی رابطه میان یادگیری سازمانی و به‌کارگیری فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات در دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار در سال تحصیلی ۸۶-۸۷»، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، (۲): ۱-۲۲.
- شیرودی، مرتضی (۱۳۸۳)، «مفهوم نظریه‌پردازی و تولید علم»، مجموعه مقالات درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه‌پردازی در علوم دینی، دفتر سوم، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

صادق زاده، علیرضا؛ محمد حسنی؛ سوسن کشاورز و آمنه احمدی (۱۳۸۸)، طرح تدوین سند آموزش و پرورش: بنیان نظری تحولات راهبردی در نظام آموزشی کشور، تهران: وزارت آموزش و پرورش.

صادقی حسن آبادی، حسن و راضیه عروجی (۱۳۸۵)، «سلوک عرفانی در حکمت اشراق»، فصلنامه اندیشه دینی، ش ۲۱، ص ۱-۲۲.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۶)، تهذب الاحکام فی شرح المقنعه، به تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

عمید، حسن (۱۳۷۶)، فرهنگ عمید، تهران: امیرکبیر.

غباری بناب، باقر؛ محمد سلیمی؛ لیلا سلیمانی و ثنا نوری مقدم (۱۳۸۶)، «هوش معنوی»، اندیشه نوین دینی، ۳(۱۰): ۱۲۵-۱۴۷.

فهمی، محمدصادق (۱۳۸۷)، «فرهنگ ایثار و شهادت و شاخص های آن»، مجموعه مقالات همایش ملی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

قمی، شیخ عباس (۱۳۷۸)، کلیات مفاتیح الجنان، تهران: اسود.

_____ (بی تا)، سفینه البحار، تهران: عابدی.

کشتکار، سارا و سیدمحمدرضا تقوی (۱۳۸۹)، «مقایسه نگرش مذهبی در دو گروه از دانشجویان»، مقاله ارائه شده در چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، تهران: دانشگاه شاهد (مجموعه مقالات).

کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا)، اصول کافی، ترجمه و شرح فارسی شیخ محمدباقر کمره ای، قم: اسوه.

گانیه، روبرت (۱۳۶۸)، شرایط یادگیری، ترجمه جعفر نجفی زند، تهران: رشد.

لطف آبادی، حسین (۱۳۸۱)، «روان شناسی رشد اخلاقی، ارزشی و دینی در نوجوانی و جوانی»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، س ۸، ش ۳۱، ص ۴-۳۹.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۲)، بحار الانوار، ج ۲۴ و ۷۱، تهران: اسلامیه.

مزیانی، محمدصادق (۱۳۷۸)، «قلمرو اجتماعی دین از دیدگاه شهید مطهری»، نشریه حوزه، س ۱۶، ش ۹۱، ص ۲۷۲-۳۱۴.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹)، «معرفت شاهدانه خداوند»، روزنامه کیهان، ش ۱۹۸۰۸، ص ۸۹/۹/۱۵.

مصطفوی، حسن (۱۳۸۳)، ترجمه مصباح الشریعه، تهران: انجمن علمی حکمت و فلسفه ایران.

- _____ (بی‌تا)، ترجمه و شرح مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، قم: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه.
- مفید، محمدعمار (۱۳۸۷)، متن و ترجمه منازل السائرین: شرح علل المقامات و صد میدان خواجه عبدالله انصاری، [بی‌جا]: مولی.
- منصوری لاریجانی، اسماعیل (بی‌تا)، فرهنگ شهادت و ایثار، تهران: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
- میرباقری، سیدمحمد مهدی (۱۳۸۸)، «سلوک، ولایت، شهادت»، مقاله برگرفته از سایت: mir7.blogfa.com.
- نسابه، محمدحسن (۱۳۸۴)، نقش باورها و اعمال مذهبی در بهداشت روان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد بخش روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شیراز.
- نوذری، محمود (۱۳۸۸)، «توصیف و ارزیابی رویکرد شناختی رشد دینی»، دوفصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ش ۲، ص ۱۳۹-۱۶۸.
- وکیلان، منوچهر (۱۳۶۲)، امام و جنگ و شهادت، تهران: یاسر.
- هیلگارد، ارنست و گوردون باور (۱۳۶۷)، نظریه‌های یادگیری، ج ۱، ترجمه محمدنقی براهنی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۰)، روان‌شناسی و دین، ترجمه محمدحسین سروی، تهران: سخن.
- Atkinson, P. J. (2006), *Measuring Spirituality in Seminary: Development of Preliminary Interpretive Guidelines for the Spiritual Assessment Inventory*, USA: Biola University.
- Bornstein, M. H. & M. E. Lamb (2005), *Developmental Science: An Advanced Textbook*, Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Debesse, M. (1956), *Les Etapes de l'Education*, Paris: PUF.
- Fowler, J. W. (1981), *Stages of Faith: The Psychology of Human Development and the Quest for Faith*, New York: Harper Collins.
- Gale Group (2001), *Gale Encyclopedia of Psychology*, Erik Erikson (1902-1979), 2nd ed.
- Johnson-Pynn, J.; D. M. Fragaszy & S. Cummins-Sebree (2003), "Common Territories in Comparative and Developmental Psychology: The Quest for

Shared Means and Meaning in Behavioral Investigations", *International Journal of Comparative Psychology* 16, pp.1-27.

Jonassen, D. H.; J. Howland & R. Marra (2008), *Meaningful Learning with Technology*, New York: Routledge.

Kohlberg, L. (1981), *The Philosophy of Moral Development*, New York: Harper & Row.

Piaget, J. (1962), *Play, Dreams and Imitation*, New York: W. W. Norton.

Pritchard, A. (2009), *Ways of Learning: Learning Theories and Learning Styles in the Classroom*, New York: Routledge.

Raymond, F. P. & L. P. Crystal (2005), *Handbook of Psychology of Religion Spirituality*, New York: The Guilford Press.

Shaffer, D. R. & K. K. Kipp (2009), *Developmental Psychology: Childhood and Adolescence*. USA: Wadsworth.